

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

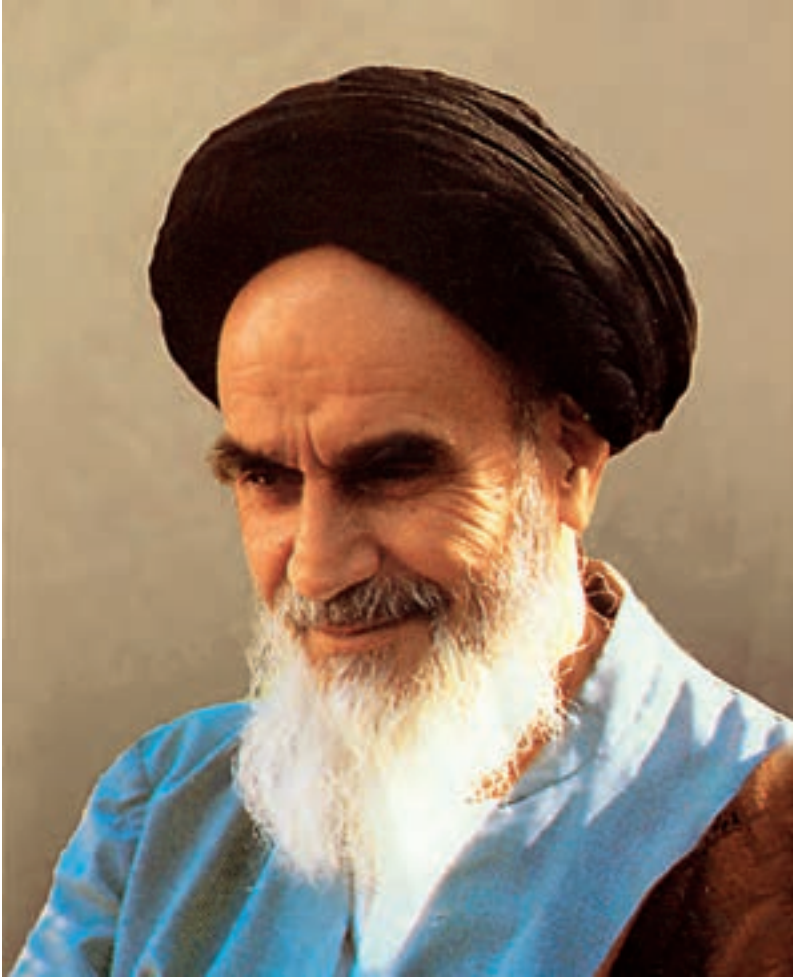
ضمیمه

پیام های آسمان

پایه نهم

دوره اول متوسطه

ویژه اهل سنت



در جمهوری اسلامی، همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر، و در حقوق، مساوی هستند، هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران است.

امام خمینی «قدس سرّه الشریف»



فهرست

	درس ششم :
۱	عمر بن عبدالعزیز
	درس هفتم :
۷	حکومت اسلامی و رهبری دینی
	درس هشتم :
۱۱	وضو و تیمم
	درس نهم :
۱۷	باطل کننده‌های نماز
	درس دوازدهم :
۲۱	انفاق

عمر بن عبدالعزیز (رحمة الله عليه) ^۱

در خانواده‌ای اشرافی در سال ۶۱ هجری در مدینه به دنیا آمد. هنوز چند سالی از عمرش نگذشته بود که پدرش عبدالعزیز بن مروان، حاکم مصر شد. عمر بن عبدالعزیز با اینکه از زندگی مرفه‌ی برخوردار بود از همان سال‌های اول عمرش به دین و آموختن آن بسیار علاقه‌مند بود. به همین دلیل با اصرار فراوان از پدرش خواست که وی را برای فرا گرفتن دین به مدینه بفرستد؛ مدینه‌ای که بهترین و با تقواترین دانشمندان اسلامی را در خود جمع کرده بود. عمر بن عبدالعزیز در میان دوستانش به پاکی و تمیزی مشهور بود و همیشه لباس‌هایش را با گران‌ترین عطرها خوشبو می‌کرد. او هنوز آثاری از اشرافی‌گری را در رفتارش حفظ کرده بود و به گونه‌ی مشخصی راه می‌رفت که با مردم عادی متفاوت بود.

به جز این آثار ظاهری که از محیط خانوادگی، آن را فرا گرفته بود در برخی از افکار و باورهایش هم نشانه‌هایی از اموی^۲ بودن را هنوز در خود حفظ کرده بود؛ از جمله اینکه یک روز که با دوستانش حرف می‌زد، با بی‌مهری از امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (کرم الله وجهه) نام برد. خبر به استادش عبیدالله بن عبدالله رسید. در اولین دیدار بعد از این ماجرا با استادش، دید آثار آزرده‌گی در چهره او آشکار است و مانند قبل با محبت با وی برخورد نمی‌کند، عمر که از برخورد استاد نگران می‌شود، دلیل این برخورد سرد را از استاد می‌پرسد و استاد می‌گوید:

«از کی فهمیده‌ای که خداوند بر اهل بدر^۳ خشم گرفته است؟ مگر نمی‌دانی که پیامبر به اهل بدر،

مژده مغفرت و بخشش الهی را اعلام فرموده است»؟

۱- این درس جایگزین درس «خورشید پنهان» در کتاب عمومی است.

۲- اموی‌ها یکی از قبیله‌های مشهور عرب بودند (بنی‌امیه). آنها از همان اوایل صدر اسلام، دل خوشی از قبیله بنی‌هاشم نداشتند. بهتر است بدانید که امیه و هاشم دو برادر بودند که در بین‌شان اختلاف ایجاد شد. بعدها فرزندان و نوادگان‌شان این اختلاف را بیشتر کردند. پیامبر و امیرالمؤمنین علی از قبیله بنی‌هاشم و چند نفر از مشرکان بزرگ از بنی‌امیه بودند.

۳- اهل بدر یعنی کسانی که در جنگ بدر، شرکت داشتند. جنگ بدر مهم‌ترین جنگ بین مسلمانان و مشرکان در صدر اسلام است. پیامبر به مسلمانان شرکت‌کننده در جنگ بدر بسیار احترام می‌کرد و آنها را می‌ستود.

این حادثه بر زندگی عمر بن عبدالعزیز (رحمة الله عليه)، بسیار تأثیر گذاشت و از آن به بعد، او همیشه با احترام فراوان از امیرالمؤمنین علی (کرم الله وجهه) یاد می‌کرد و نام می‌برد.



استادانی مانند صالح بن کیسان و عبیدالله بن عبداللہ، روز به روز بر ایمان و علم عمر بن عبدالعزیز، تأثیر می‌گذاشتند و کار وی به جایی رسیده بود که استادش صالح می‌گفت: «تا حال هیچ کدام از شاگردانم را مثل عمر بن عبدالعزیز ندیده‌ام که ایمان به خدا آن قدر در دلش جای گرفته و تأثیر خود را ثبت کرده باشد».

این ایمان و پاکی در حالی بود که محیط خانوادگی و خویشاوندانش با عمر بن عبدالعزیز، بسیار متفاوت بودند.^۱ او از سخنان پیهوده و رفتار زشت و ناپاک به دور بود و در جوانی توانسته بود بخوبی بر این روش پایدار باشد و زندگی کند؛ چنان که از دروغ گفتن، بسیار بیزار بود و می‌گفت دروغ، ارزش انسان را کم می‌کند.

مادرش، عمویی به نام عبداللہ بن عمر^۲ (رضی الله عنه) داشت. عمر بن عبدالعزیز (رحمة الله عليه) از او به نام دایی یاد می‌کرد و به مادرش می‌گفت: «مادر، دوست دارم مثل دایی‌ام عبداللہ باشم».

عمر بن عبدالعزیز در ۲۵ سالگی از سوی ولید بن عبدالملک، والی و حاکم مدینه شد. حاکم قبلی، مردی ستمگر و بداخلاق به نام هشام بود. مردم مدینه همین که عدالت و دادگری عمر بن عبدالعزیز را دیدند، شیفته حکمرانی و اخلاق او شدند. او ده نفر از بهترین پیشوایان علم و تقوا را در مدینه به عنوان مجلس شورا، انتخاب کرد.

در اولین نشست این مجلس به آنها گفت: «من شما را برای کار مهمی انتخاب کرده‌ام. شما در مقابل این کار نزد خدا مسئول هستید؛ از سوی دیگر برای این کار حقوق می‌گیرید. شما باید یاوران من در عمل به حق باشید. من شما را به خدا قسم می‌دهم، اگر حق خوری یا کار باطلی را دیدید به من خبر بدهید و مرا بر انجام دادن حق و عمل به دین راهنمایی کنید».

او همیشه به دعوتگران دینی، بویژه امامان جمعه، سفارش می‌کرد که از تعریف و تمجید وی

۱- یکی از چیزهایی که ارزش انسان را دوجندان می‌کند، این است که در صورت ناسازگاری اطرافیان (خصوصاً خانواده و محیط کار) فرد بتواند بر ایمان و عقیده پاک خود بماند و زندگی کند. چنین افرادی نزد خداوند، جایگاه ویژه‌ای دارند و در بهشت جاودانه خدا پاداش زندگی پاکشان را دوجندان می‌بینند.

۲- عبداللہ بن عمر، پسر عمر بن خطاب بود. عبداللہ یکی از یاران بزرگ پیامبر و از علمای برجسته صدر اسلام بود (رضی الله عنهم اجمعین).

دوری کنند و از یاران پیامبر بویژه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه) به نیکی نام ببرند^۱ و به جای تعریف و ستایش از حکومت او، این آیه را بخوانند:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّبَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ...» یعنی در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم بازمی‌دارد.^۲

..... بیشتر بدانیم

همواره بزرگان دین از مدح و ستایش دیگران نسبت به خودشان گریزان بوده‌اند؛ به عنوان مثال، هرگاه کسی ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) را ستایش می‌کرد ضمن اینکه از کارش منع می‌نمود، اشک در چشمانش جمع می‌شد و می‌گفت: «بارخدا، مرا از آنچه می‌گویند بهتر کن و آنچه را هم در مورد من نمی‌دانند، بیامرز و مرا به خاطر سخنان این افراد مجازات نکن». دقیقاً همین برخورد (در مقابل تعریف و تمجید) از سایر خلفای راشدین (رضی الله عنهم اجمعین) نقل شده است.

کم‌کم عمر بن عبدالعزیز به دلیل درون پاک و تقوا و حساسیتی که بر عدالت داشت، محبوب و محبوب‌تر می‌شد. البته وجود شورای ده نفره اطرافش او را در دادگری و عمل به دین موفق‌تر کرد.

بعدها به دلیل این رفتار عادلانه با مردم به تقاضای دلسوزان، حاکمیت کل حجاز^۳ به او سپرده شد. این والی شدن برای او، تجربه و تمرین خوبی برای حکومت‌داری و عدالت برای او بود. کار به جایی رسید که حتی دانشمندان به ملاقات او می‌رفتند؛ دانشمندانی که قبلاً به شدت از حاکمان گریزان بودند.

۱- چون قبل از حاکمیت عمر بن عبدالعزیز (رحمة الله علیه)، افراد بی‌تقوایی به نام واعظ و سخنران در صحبت‌هایشان از امیرالمؤمنین علی، بدگویی می‌کردند، او به امامان جمعه سفارش کرد برای خلفای راشدین دعای خیر کنند.

۲- نحل: ۹۰.

۳- یعنی مکه، مدینه، طائف و اطراف آن.

فَعَالِيَتِ كَلَّاسِي

در تاریخ امت اسلامی آمده است که دانشمندان همواره از حکومت‌ها گریزان بوده‌اند؛ اما در مواردی (مانند حکومت عمر بن عبدالعزیز) هم به حکومت مشورت می‌دادند و هم حاکمان را مورد لطف و محبت خویش قرار می‌دادند. به نظر شما دلیل رفتار علما و دانشمندان با حاکمان با این دو شیوه متضاد، چه بوده است؟

در زمان ششمین پادشاه اموی^۱، عمر بن عبدالعزیز به عنوان وزیر برگزیده شد. مقام وزارت هم نتوانست او را از تقوا و عدالت دور کند. وی همواره این آیه قرآن را زمزمه می‌کرد:

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا
وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲

«آن سرای با ارزش آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری طلبی و فساد نیستند و عاقبت (خیر) از آن پرهیزکاران است.»
این روش پاک، موجب شد که پس از مرگ سلیمان (ششمین پادشاه اموی) از سوی دلسوزان مردم به عنوان خلیفه برگزیده شود.

عمر بن عبدالعزیز با دلسوزی تمام به آبادسازی شهرها و روستاهای قلمرو حکومتش پرداخت. ابتدا مسجدالنبی را بازسازی و تعمیر کرد و دسته‌های سازندگی را به همه مناطق فرستاد. به آنها دستور داد که در کار راه‌سازی با تمام توان تلاش کنند؛ به امر آبرسانی به تمام مناطق مسکونی همت گماشت؛ اموال حکومتی و مردمی را از دسترس دزدان و خائنان دور کرد و دستور داد ستمگر مشهوری به نام حَجَّاج بن یوسف تَفَفَى از کارهای حکومتی منع شود.^۳ البته او به جز حجاج، سایر کارگزاران ستمگر را از کار برکنار کرد.

۱- درست این است که امویان را خلیفه نگوئیم، بلکه آنها را شاه بنامیم. معلمان گرامی در کلاس در این مورد برای دانش‌آموزان توضیح دهند.

۲- سوره قصص، آیه ۸۳.

۳- در تاریخ اسلام، حَجَّاج به ستمگری و جنایت مشهور است. حاکمان قبل از عمر بن عبدالعزیز به خود جرأت نمی‌دادند که در مقابل حجاج بایستند و او را برکنار کنند؛ اما عمر بن عبدالعزیز (رحمة الله علیه) با شجاعت تمام این کار را کرد.

فعالیت کلاسی

در تاریخ آمده است که در زمان حکومت عمر بن عبدالعزیز، مساجد و مراکز دینی آباد شدند؛ بر تعداد حافظان قرآن افزوده شد؛ سطح آگاهی دینی مردم بالا رفت و میزان پایبندی آنها به دین و احکام نورانی آن بیشتر شد. از سوی دیگر رغبت آنان به عبادت‌های مالی بویژه زکات افزوده شد و فقیران و مستمندان، زندگی راحتی پیدا کردند.

به نظر شما چه رابطه‌ای بین ایجاد حکومت‌های صالح و برپایی نماز در جامعه و پرداخت زکات بین مردم وجود دارد؟^۱

عمر بن عبدالعزیز (رحمة الله علیه) در اداره مملکت روشی مخصوص داشت. او ضمن دادن اختیار به عاملان و کارگزاران حکومتی به آنها می‌گفت که عدالت و عمل کردن به فرمان خدا مهم‌ترین کار آنهاست و به آنها اعلام می‌کرد فقط در مسائل سخت و پیچیده حکومتی با وی مشورت کنند. او شبانه از خانه بیرون می‌آمد و ضمن گشت‌زنی در کوچه‌ها، احوال مردم را با دقت، مورد رسیدگی قرار می‌داد.

تمام این انقلاب روحی و حکومتی را او در سن جوانی طی دو سال و نیم در خود و حکومت ایجاد کرد.

از همان ابتدای حکومت‌داری، خانه‌ای فقیرانه و ساده انتخاب کرد. خوراک و پوشاکش مثل خوراک مستمندان بود و تخت حکومتی او حصیر ساده‌ای بود که بر خاک پهن می‌کرد. او در عبادت و نظم حکومتی، سیاسی و اداری نمونه بود و کارش تا جایی پیشرفت کرد که او را عمر ثانی (دوم) لقب دادند.

سرانجام بعد از دو سال و نیم دادگری و عدالت در سال ۱۰۱ هجری، دوران حکومتش با مرگ به پایان رسید. اما آن بزرگ مرد، دفتر پر از رفتار خیرش را با خود به سرای جاودان برد تا وسیله‌ای برای رستگاری ابدی او شود. عمر ثانی (رحمة الله علیه) در تشییع جنازه‌ای باشکوه بر روی دست و شانه مؤمنان دوستدارش به خاک سپرده شد.

۱- معلمان می‌توانند با استفاده از تفاسیر و مراجعه به سوره حج، آیه ۴۱، دانش‌آموزان را در جواب این سؤال، باری دهند.

خودت را امتحان کن

- ۱- محیط خانوادگی عمر بن عبدالعزیز چگونه بود؟
- ۲- دو عامل مهمی که بر شخصیت ایمانی و عملی عمر بن عبدالعزیز تأثیر گذاشت، چه بود؟
- ۳- عمر بن عبدالعزیز کدام آیه قرآن را سرلوحهٔ روح و قلب خود قرار داده بود؟

بارخدا یا،

حق را به حق بنا و توفیق عمل به آن را به ما بده
و باطل را به باطل بنا و به ما توفیق ده تا از آن دوری کنیم.
بارخدا یا، تقوای درونی به ما بده و قلبان را پرورش ده.
تو بهترین کسی هستی که درون ما را پرورش می دهی.
بارخدا یا، ما را به اندازهٔ یک چشم بر هم زدودن به خودمان نپسار!

حکومت اسلامی و رهبری دینی^۱

با نگاهی به قرآن در می‌یابیم که خداوند تمام موجودات و از جمله انسان را آفریده و تمامی نعمت‌های زمین را برای بشر خلق کرده است. خداوند مالک و تدبیرکننده امور مخلوقات است. حاکمیت کل جهان از آن اوست و او حاکم و فرمانروای حقیقی انسان‌هاست. قرآن می‌فرماید: چون خداوند به تمامی حقایق عالم است، فقط او می‌تواند بشر را درست راهنمایی کند.^۲ قرآن اعلام می‌کند پیروی کردن از خواسته‌های فردی یا سایر انسان‌ها در امور زندگی صحیح نیست و همه افراد وظیفه دارند از قوانین خداوند اطاعت کنند.

اَتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ.^۳
از آنچه از پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است پیروی کنید و از سرپرستانی جز او پیروی نکنید.

راه رسیدن به قوانین خدا پیامبر است، او احکام خدا را به انسان‌ها ابلاغ می‌کند. پیامبر نماینده خداست و اطاعت از پیامبر در واقع اطاعت از خداست.^۴ بهترین قانونی که بشر می‌تواند به آن دست یابد، قانون الهی است؛^۵ مثلاً وقتی خداوند در مورد پیامبری مانند داود سخن می‌گوید، می‌فرماید:

۱- جایگزین صفحات ۷۵ تا ۷۸ تا ابتدای بیدارگر قرن.

۲- سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۳- سوره اعراف، آیه ۳.

۴- سوره حشر، آیه ۷، سوره نساء، آیه ۶۴.

۵- سوره احزاب، آیه ۶۳.

يا داوودُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ
ای داود، ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم؛ بنابراین بین مردم بر اساس حق،
حکومت و داوری کن.^۱

بنابراین، شکل درست حکومت، فقط این است که انسان حاکمیت خدا، پیامبرش و اولی الامر
(جانشینان) را بپذیرد و بر اساس قانون الهی، جانشین خدا در حاکمیت را انتخاب کند.
قرآن کریم می فرماید :

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ
مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و پیامبر و اولیای امر خود اطاعت کنید؛ پس
هرگاه در امری اختلاف نظر یابید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا
و پیامبر عرضه بدارید؛ این بهتر و نیک فرجام تر است.

در واقع، حکومت دینی به نمایندگی از خداوند دستورهای او را در زمین اجرا می کند.

ویژگی های حکومت دینی

حکومت دینی با توجه به آیات قرآن و سنت نبوی ویژگی هایی دارد که مهم ترین آنها را این گونه
می توان نام برد :

- ۱- حاکم در اداره جامعه، مطیع فرمان خداوند است.
- ۲- حکومت دینی در امور اساسی و بسیار مهم با مردم مشورت می کند.^۳
- ۳- تا وقتی که حکومت در مسیر الهی حرکت کند، مردم با او همکاری، و از دستورهایش

۱- سوره ص، آیه ۲۶.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

۳- سوره شوری، آیه ۳۸.

اطاعت می‌کنند.

۴- دولتمردان حکومت اسلامی باید به قوانین اسلام باور داشته باشند؛ زیرا مسئولیت اداره نظام اسلامی نباید به عهده کسانی باشد که با اسلام و قوانین آن مخالف‌اند.

اهداف اصلی و اساسی حکومت اسلامی

حکومت اسلامی دو هدف مهم دارد و پیوسته می‌کوشد که آنها را عملی کند:

- ۱- ایجاد عدالت اجتماعی و تأمین رفاه عمومی انسان‌ها؛^۱
 - ۲- استفاده از امکانات مادی و حکومتی برای فراگیر شدن واقعی عبادت خدا در جامعه در جنبه‌های فردی (مثل نماز) و جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی (مثل زکات)؛
- در حکومت اسلامی جان، مال و آبروی مردم و زندگی شخصی آنها در امان است و آنها حق امر به معروف و نهی از منکر و اعتراض علیه ستم و برقراری اجتماعات را دارند؛ البته به صورتی صحیح و دور از آشوب و پرهیز از مزاحمت دیگران.
- حکومت موظف است، بین مردم عادلانه رفتار، و از تبعیض، دوری کند.^۲ دین و مذهب آنها آزاد است^۳ و کسی حق توهین کردن و آزرده کردن آنها را ندارد.^۴ هیچ نوع اقدامی علیه کسی بدون مدرک و خارج از انصاف، انجام نمی‌گیرد.^۵

حقوق حکومت بر مردم

حکومت اسلامی در مقابل تأمین نیازهای مادی و معنوی مردم و اجرای عدالت، حق دارد از مردم این انتظارات را داشته باشد:

- ۱- از حکومت اطاعت کنند.
 - ۲- نظم و امنیت را رعایت کنند و آن را برهم نزنند.
 - ۳- در کارهای خیر با حکومت دست تعاون بدهند و همکاری کنند.
- در سایه عدالت اجتماعی و حکومت اسلامی، کار هدایت و رهبری زندگی فردی و خانوادگی

۱- سوره حدید، آیه ۲۵.

۲- سوره قصص، آیه ۴.

۳- سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۴- سوره انعام، آیه ۱۰۸.

۵- سوره حجرات، آیه ۶.

مردم را عالمان دین و دانایان به عهده می‌گیرند. علما و دانایانی که مردم از آنها پیروی می‌کنند در کنار آموزش قرآن و سنت و... مردم را مخلصانه به راه خدا دعوت می‌کنند. در سایه حکومتی خدایی و در پرتوی رهبری عالمان اهل عمل، مردم دنیایی پر از صلح و صفا و امنیت و رفاه خواهند داشت و از امکانات دنیوی استفاده، و سعادت ابدی را برای خود فراهم می‌کنند.

خودت را امتحان کن

- ۱- چرا انسان نمی‌تواند با پیروی کردن از خواسته‌های شخصی و یا نظر دیگر انسان‌ها، راه سعادت را پیدا کند؟
- ۲- اساسی‌ترین وظیفه حکومت اسلامی چیست؟

وضو و تیمم^۱

رسول الله (صلى الله عليه و على آله) به اصحابشان فرمود :
«توجه کنید : شما را به چیزهایی راهنمایی می‌کنم که خداوند به وسیله آنها
اشتباهات انسان را پاک می‌کند و ارزش و درجه او را بالا می‌برد، صحابه گفتند : ای
پیامبر خدا، ما را ارشاد فرما. رسول خدا (صلى الله عليه و على آله) فرمود : وضو
گرفتن در سختی‌ها^۲ و زیاد رفتن به مسجد و انتظار نماز واجب بعدی پس از انجام دادن
نمازهای واجب؛ این کارها، همان دستاویز محکم به فضل و برکت خداست.^۳»

گرفتن وضو در موارد زیر واجب است

- وقتی می‌خواهیم نماز بخوانیم؛
 - وقتی قصد داریم دستمان را به نوشته‌های قرآن بزنیم یا قرآن را حمل کنیم؛
 - وقتی می‌خواهیم طواف حج کعبه را انجام دهیم.
- علاوه بر این موارد، وضو گرفتن و داشتن وضو در موارد دیگر سنت و مستحب است؛ از جمله : هنگام ذکر خداوند، قبل از خوابیدن، قبل از انجام دادن غسل، هنگام حمل جنازه. همچنین همواره وضو داشتن سنت است.

واجبات وضو

وضو گرفتن نوعی عبادت است که چند کار در آن واجب است؛ این موارد را واجبات و یا فرض‌های وضو می‌نامند :

۱- جایگزین کل درس هشتم (وضو و تیمم).

۲- برای مثال، گرما یا سرمای شدید.

۳- صحیح مسلم - فضل الصلاة ۷.

۱- نیت یعنی قصد کردن وضو که باید همراه اولین کار عملی وضو انجام گیرد. (یعنی هنگام شستن صورت) البته در فقه حنفی نیت، شرط صحت وضو نیست.

۲- شستن صورت از قسمت رویش مو از پیشانی تا قسمت پایین چانه (در طول) و عرض بین دو نرمة گوش‌ها

۳- شستن هر دو دست تا مرفق و آرنج‌ها

۴- مسح سر (حتی اگر قسمتی از آن باشد)

۵- شستن پاها تا قوزک‌ها و با قوزک‌های پا

۶- مراعات ترتیب.

البته در فقه حنفی رعایت ترتیب و موالات در شستن اعضای وضو شرط نیست.

سنّت‌های وضو

در گرفتن وضو، انجام دادن شش کاری که خواندید، لازم و فرض است. اما وضو سنّت‌هایی هم دارد که انجام دادنشان بر ارزش و ثواب وضو می‌افزاید که در اینجا مهم‌ترین آنها را می‌خوانیم:

۱- گفتن «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» در ابتدای آن

۲- شستن پشت و روی دست سه بار، پیش از اینکه دست را داخل ظرف یا محلی (مثل حوض) کنیم که از آبش برای گرفتن وضو استفاده می‌کنیم.

۳- مسواک زدن

۴- آب در دهان و بینی گرداندن و بیرون ریختن آن تمیز کردن دهان و بینی، آب در دهان ریختن را «مَضْمَنَه» و آب در بینی ریختن را «استنشاق» می‌گویند. این دو کار را با دست راست انجام می‌دهیم.

۵- مسح کلّ سر^۱

۶- دست کشیدن بر پشت گوش و قسمت داخلی آن با آب جدید (یعنی پس از مسح سر، دستمان را دوباره با آب خیس، و گوشمان را با آن تمیز می‌کنیم)

۷- انجام دادن سه بار اعمال وضو (این کار را تثلیث می‌گویند).

۸- مقدم داشتن طرف راست بر چپ در شستن دست‌ها و پاها

۹- دقت کردن در شستن سر به طوری که پیشانی و اطراف آن هم در شستن بیشتر رعایت

۱- چگونه این کار را از معلمتان سؤال کنید.

شوند و همچنین دقت کردن در شستن پاها به گونه‌ای که قسمتی بیشتر از حد فوزک، شسته شود.^۱
۱۰- میانه‌روی در مصرف آب

۱۱- گفتن شهادتین و دعای وضو در آخر به این ترتیب:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ، وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ».

بیشتر بدانیم

آنچه در وضو گرفتن مکروه است.

مکروه یعنی کاری که از لحاظ شرعی ناپسند است، اما کار شرعی را باطل نمی‌کند و بهتر این است که انجام نشود. این چند مورد در وضو گرفتن مکروه است:

۱- زیادروی در مصرف آب و همچنین کم مصرف کردن غیر طبیعی آن

۲- تقدیم دست و پای چپ بر دست و پای راست

۳- خشک کردن اعضای وضو با حوله و دستمال و مانند آنها

۴- ضربه زدن به صورت هنگام شستن آن

۵- شستن اعضا بیشتر از سه بار (به بهانه اطمینان یافتن از شستن کامل)

۶- کمک گرفتن از دیگری (مگر برای کسی که عذری دارد؛ مثلاً مریض یا ناتوان

است).

۷- زیادروی در مضمضه و استنشاق.^۲

مواردی که وضو را باطل می‌کنند

۱- آنچه از پس و پیش انسان، خارج می‌شود.

۲- به خواب رفتن (طوری که چشم نبیند و گوش نشنود). البته در صورتی که نشیمنگاه خوب بر زمین چسبیده باشد و چرتی کوتاه بر انسان چیره شود که فقط سر تکان خوردن آنی، نشانه آن است،

۱- این دو کار را به ترتیب، اطالۀ غرّه و اطالۀ تحجیل، می‌گویند.

۲- این دو کلمه در بحث سنت‌های وضو در شماره ۴ توضیح داده شد.

وضو باطل نمی‌شود.

۳- از بین رفتن عقل به دلیل دیوانگی یا بیهوشی یا چیزهای دیگر.
در فقه حنفی خندهٔ قهقهه‌دار، استفراغ و بیرون آمدن خون از بینی، وضو را باطل می‌کند.

..... بیشتر بدانیم

- ۱- استفراغ کردن و خون گرفتن و خون از بینی آمدن وضو را باطل نمی‌کند.
- ۲- اگر در بین اعمال وضو فاصله‌ای ایجاد شود که معمولاً طولانی به حساب نمی‌آید، وضو صحیح است؛ مثلاً به علت قطع آب پس از مسح سر، مجبور شود از طبقه سوم یک ساختمان به طبقه اول برود و در آنجا پایش را بشوید.
- ۳- خانم‌ها نباید در جایی وضو بگیرند که نامحرمان، بدن آنها را ببینند؛ البته این کار وضویشان را باطل نمی‌کند.
- ۴- گرچه لمس قرآن بدون وضو جایز نیست، اگر بخشی از قرآن بر کاغذ یا پارچه باشد و یا در کتابی نوشته شده که اصل مطالب کتاب، از آیات قرآن بیشتر است، لمس چنین مواردی، وضو نمی‌خواهد.
- ۵- کسی که به دلیل بیماری یا مشکل دیگری نمی‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، باید از شخص دیگری کمک بگیرد تا او را وضو دهد، در این حالت باید آن فرد ناتوان - که می‌خواهد وضو بگیرد - خودش نیت وضو کند.
- ۶- شایسته نیست مسلمان، ناخنش را بلندتر از حد معمول رها کند و آن را نگیرد. در صورت بلندتر بودن ناخن از حد معمول، هنگام وضو گرفتن باید چرک زیر آن برطرف شود و آب به زیر ناخن برسد.

.....

تیمم

دانستیم که برای نماز خواندن، طواف کعبه و مس و حمل قرآن، وضو واجب است و این کارها بدون داشتن وضو، صحیح نیستند. مشخص است که وضو با آب پاک، صورت می‌گیرد، اما اگر انسان به هر دلیل نتواند از آب استفاده کند در شریعت اسلامی به وی اجازه داده شده است از گرد خاک استفاده کند تا از برکت عبادت و ارتباط با خدا محروم نشود.

رساندن گردِ خاک پاک به صورت و دو دست با نیت و روش مخصوص، تیمم نام دارد.

در صورتی که انسان به آب دسترسی نداشته باشد و یا در موقعیتی است که ۲/۵ کیلومتر و یا بیشتر با آب فاصله دارد و رسیدن به آب برایش مشکل است و یا مصرف آب به علت سرمای غیر قابل تحمل و یا بیماری، برایش ضرر دارد، می‌تواند تیمم کند.

در صورت وجود هر کدام از موارد ذکر شده، شرط تیمم کردن این است که :

۱- وقت نماز فرا رسیده باشد؛

۲- آب را جست‌وجو کرده، نیافته باشد؛

۳- خاک پاکی برای تیمم باشد.

سه چیز در تیمم واجب است :

۱- نیت در ابتدای آن؛

۲- مسح صورت با خاک پاک به وسیله دست و پس از ضربه‌ای که بر خاک زده می‌شود و

سپس مسح دست‌ها تا آرنج با خاک پاک و بعد از ضربه دیگر؛

۳- رعایت ترتیب؛ البته در فقه حنفی رعایت ترتیب لازم نیست.

چند نکته در مورد تیمم

۱- رساندن گرد و خاک به ته موها در تیمم لازم نیست.

۲- آنچه وضو را باطل می‌کند، تیمم را نیز باطل می‌کند.

۳- گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و تقدیم دست راست بر چپ هنگام مسح و رعایت پشت

سر هم اعمال تیمم، سنت است.

۴- به جز موارد باطل‌کننده وضو، دیدن و رسیدن به آب پیش از وقت نماز و بهبود بیماری تیمم

را باطل می‌کنند.

فَعَالِيَت كَلَّاسِي

الف) با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام یک از موارد زیر، وضو و تیمم مکلف صحیح و در کدام یک باطل است.

● در هنگام سجده خوابش می‌گیرد و ناگهان با صدای تکبیر امام و حرکت فرد کنار دستی بیدار می‌شود.

● هنگام گوش دادن به خطبه نماز جمعه در حالی که محکم نشسته است، سرش

بر اثر جرت تکانی می خورد.

- با سیمان و یا آرد تیمم می کند.
 - با خاک صحرا تیمم کرده است.
 - هنگام وضو گرفتن بعد از شستن پا، سرش را مسح می کند.
 - در محلی قرار گرفته است که با آب پانصد متر فاصله دارد، اما حوصله ندارد خود را به آب برساند و با خاک پاکی که آنجاست، تیمم می کند.
- ب) در حضور معلمتان وضو بگیرید و تیمم کنید و از او بخواهید اشکالات احتمالی را برایتان برطرف کند.

خودت را امتحان کن

- ۱- حکم وضوی کسی که ابتدا پایش را شسته و سپس سرش را مسح کرده است، چیست؟
- ۲- آیا وضوی کسی که در شستن دست، مرفقش را نَشُسته، صحیح است؟
- ۳- زیاده روی کردن در مصرف آب هنگام گرفتن وضو، چه حکمی دارد؟

پیشنهاد

با مراجعه به کتاب های فقهی، دو مورد دیگر از سنت های وضو را پیدا کنید و آنها را بنویسید.

باطل کننده‌های نماز

آن روز، نمازخانهٔ مدرسه از روزهای دیگر شلوغ‌تر بود. محمد و عارف نیز در گوشه‌ای از نمازخانه، نزدیک هم نماز می‌خواندند. نمازخانه، صفای بیشتری داشت؛ چون نور مسجد به جماعت آن است.

ناگهان عارف، که دو رکعت سنت بعدیه بعد از نماز ظهر را می‌خواند، نمازش را در رکعت دوم شکست و پس از چند لحظه سکوت راست ایستاد و دوباره تکبیرة الاحرام را گفت و نمازش را شروع کرد. پس از تمام شدن نماز عارف، محمد با تعجب از او پرسید :

عارف چرا نمازت را در رکوع شکستی و دوباره آن را شروع کردی؟!

عارف جواب داد : هنگام رکوع یاد حرف‌های خنده‌داری افتادم، ناگهان خنده‌ام گرفت و با قهقهه خندیدم.

محمد گفت : عارف جان، چرا در نماز با فروتنی و یاد خدا و خویشنداری حاضر نمی‌شوی؟! چرا خود را کنترل نمی‌کنی؟!

عارف گفت : خودم هم از این حالت ناراحت هستم و تصمیم گرفته‌ام بر آن غلبه کنم.



در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده می‌شود بر خوشبختی و تربیت درونی انسان تأثیری عمیق دارد. از سوی دیگر به جا آوردن نماز با اخلاص و رعایت آداب آن، موجب خشنودی خداوند می‌شود. در این درس به بررسی احکام دیگری خواهیم پرداخت که رعایت نکردن آنها موجب باطل شدن نماز می‌شود.

مبطلات نماز^۱

به جز خندیدن با قهقهه (که موجب باطل شدن نماز عارف شد) چه چیزهایی موجب باطل شدن نماز می‌شود؟

با مراجعه به کتاب‌های فقهی متوجه می‌شویم، چند چیز موجب باطل شدن نماز می‌شود که در اینجا به صورت خلاصه به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

- ۱- سخن گفتن عمدی که منظور، سخنان غیر از قرائت قرآن و اذکار نماز است.
- ۲- عمل زیاد: یعنی انجام دادن کاری مثل خاراندن پشت سر هم بدن طوری که مثلاً سه جا را پشت سر هم بخاراند و در این خاراندن به جز انگشتان، بازو، میچ و ساعد نمازگزار، پشت سر هم و برای سه بار یا بیشتر حرکت کند.^۲
- ۳- پدید آمدن نجاست و ناپاکی و پلیدی روی بدن یا لباس یا محل نماز خواندن.
- ۴- باطل شدن وضو قبل از سلام اول؛ بنابراین، اگر وضو بعد از سلام اول باطل شود، نماز صحیح است؛ چون سلام دوم سنت است.
- ۵- گریه یا خنده‌ای که موجب ایجاد دو حرف یا بیشتر شود و عمدی باشد. (بنابراین، تبسم یا اشک ریختن بدون صداهای اضافی، نماز را باطل نمی‌کند.)
- ۶- پشت به قبله کردن یا انحراف از آن؛ چون یکی از شروط نماز رو کردن به قبله است.
- ۷- خوردن و نوشیدن
- ۸- جا ماندن از حرکات امام به اندازه دو حرکت (در نماز جماعت) مثل اینکه در رکوع و اعتدال (یعنی برخاستن از رکوع) از امام جا بماند و همچنین تقدم و پیشقدمی مأموم بر امام در دو رکن به صورت عمدی.

چند مسئله مهم درباره نماز

● سرفه غیر عمدی و عطسه و خمیازه کشیدن، نماز را باطل نمی‌کند؛ حتی اگر در سرفه دو حرف ایجاد شود. سرفه‌ای که به اجبار و برای صاف کردن گلو انجام می‌شود نیز اشکالی ندارد؛ چون یکی از ارکان نماز، رکن قولی و گفتاری است؛ مثل خواندن سوره حمد یا تشهد رکعت آخر و اگر انسان نتواند به خاطر گرفته شدن گلویش این دو رکن را بخواند، نمازش باطل می‌شود. بنابراین در صورتی که گلو

۱- مبطلات: باطل کننده‌ها.

۲- حرکت انگشتان در خاراندن اگر سه بار هم باشد، نماز را باطل نمی‌کند.

فقط با سرفه کردن عمدی باز می‌شود. سرفه اشکالی ندارد.

● اگر نمازگزار، ذکر نمازش را آن قدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آن صحیح نباشد، نمازش باطل می‌شود.

● چرخاندن چشم به طرف آسمان و چپ و راست در نماز مکروه است ولی نماز را باطل نمی‌کند.

● هنگامی که غذا آماده شده است و انسان به خوردنش رغبت دارد، بهتر است اول غذا بخورد بعد نماز بخواند.^۱

● خاراندن بدن با حرکت انگشت (چون حرکتی سبک و اندک به حساب می‌آید.) در صورت ضرورت اشکالی ندارد.

● مبالغه کردن در خم نمودن سر، هنگام رکوع مکروه است.

● نماز خواندن در حمام و در راه عبور و مرور مردم مکروه است.

فَعَالِيَت كَلَّاسِي

در هر یک از موارد زیر توضیح دهید که آیا نماز نمازگزار صحیح است یا خیر.
۱- هنگام خواندن تشهد متوجه می‌شود که برادر کوچکش با دستانی کتیف به طرف کتاب‌های او می‌رود برای متوجه کردن مادرش (که کتاب را از مقابل برادرش دور کند) می‌گوید: سبحان الله.

۲- دوست دارد کمی بلند نماز بخواند؛ به همین دلیل پشت سر هم گلویش را صاف می‌کند و آح یا آخ می‌کند.

۳- صدایش هنگام تشهد گرفته است و نمی‌تواند تشهد را بخواند، لذا با سرفه، گلویش را صاف می‌کند.

۴- مطلب خنده‌داری به یادش آمده است، لبخندی می‌زند اما از تکان خوردن و ایجاد صدای خنده خودداری می‌کند.

۱- برخی به شوخی می‌گویند اول وجود بعد سجود، البته در حدیث صحیح آمده است که: «إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ وَحَضَرَ الْعَشَاءَ فَأَبْدَأُوا

بِالْعَشَاءِ» (به روایت امام احمد و شیخین) یعنی هرگاه وقت نماز رسید و غذا حاضر شد، اول غذا بخورید، بعد نماز بخوانید.

خودت را امتحان کن

- ۱- سرفه عمدی هنگام نماز در چه وقتی جائز است؟
- ۲- چه نوع خنده‌ای نماز را باطل می‌کند؟

بیشتر بدانیم

رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) فرمود :

اولین چیزی که از اعمال بنده در روز قیامت، مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز او است. اگر نمازش درست باشد، بنده رستگار می‌شود و نجات می‌یابد و اگر نمازش آن‌گونه نباشد که خدا می‌خواهد، بنده ضرر و زیان می‌بیند.^۱

۱- ترمذی، ۴۱۳.

انفاق^۱

به این آمارها^۲ توجه کنید :

- گرسنگی یکی از عوامل مهم مرگ و میر در جهان به شمار می‌رود به طوری که در هر دقیقه ۳۰ نفر به علت گرسنگی، جان خود را از دست می‌دهند.
 - شصت و شش میلیون کودک در مقطع ابتدایی در سراسر جهان، گرسنه به مدرسه می‌روند.
 - فقر هر ساله باعث مرگ دو میلیون و ششصد هزار کودک زیر پنج سال می‌شود.
 - ۸۷۰ میلیون نفر در جهان غذای کافی برای خوردن ندارند.
 - بیش از یک میلیارد نفر از مردم روی زمین درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند.
- از سوی دیگر
- دارایی ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد جهان برابر دارایی ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان است.
 - با غذایی که در اروپا و آمریکای شمالی دور ریخته می‌شود، سه برابر گرسنگان فعلی جهان می‌توان سیر کرد.
 - یک سوم مواد غذایی که سالانه در جهان تولید می‌شود (حدود ۱/۳ میلیارد تن) تبدیل به زباله می‌شود و هدر می‌رود.
 - سالانه ۲/۴ میلیون نفر در سراسر جهان در اثر بیماری‌های ناشی از پرخوری می‌میرند.

فَعَالِیت کلاسی

به نظر شما علت این اختلاف چیست؟ چرا این وضع در جهان به وجود آمده

است؟

۱- این درس جایگزین درس دوازدهم کتاب عمومی است.

۲- <http://fa.wfp.org> : سایت «برنامه جهانی غذا» متعلق به سازمان ملل متحد

دانستیم که دین اسلام آخرین و کامل‌ترین برنامه‌ای است که خداوند برای نجات بشر از تمامی گرفتاری‌ها و دست یافتن به رستگاری در دنیا و آخرت فرستاده است؛ به همین دلیل این دین باید راهی برای نجات مردم از فقر داشته باشد. یکی از راه‌کارهای دین اسلام برای حل این مشکل انفاق است. در دین اسلام به مردم توصیه شده است، بخشی از اموال خود را در راه خداوند انفاق کنند. پیامبر صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید:

«خداوند به اندازه‌نیازمندی‌های مردم فقیر در اموال ثروتمندان حقی قرار داده است، اگر بپردازند نیازمندی‌های عمومی مردم برطرف می‌شود. اگر گرسنه یا برهنه‌ای در میان مردم پیدا شد به این دلیل است که ثروتمندان، «حقوق واجب» اموال خود را نپرداخته‌اند.»^۱

انفاق

در سال گذشته دانستیم که رابطه‌ی میان مسلمانان، رابطه‌ی برادری است و همان‌طور که هر برادری نسبت به خواهران و برادران خود در خانواده وظایفی دارد، برادران دینی نیز در برابر یکدیگر وظایفی دارند. یکی از این وظایف کمک مالی به نیازمندان است. خداوند در قرآن کریم همواره انسان‌ها را به بخشش قسمتی از اموالشان به نیازمندان تشویق کرده و این اعطای مال را «انفاق» نام نهاده است:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۲

کسانی که اموال خود را انفاق می‌کنند در شب و روز به صورت پنهانی و آشکارا پاداششان نزد پروردگارشان است نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.*

انفاق مال آن‌قدر نزد خداوند ارزشمند است که آن را یکی از نشانه‌های مؤمن بودن می‌داند.^۳ خداوند، حکمت انفاق را «توزیع ثروت میان فقرا و جلوگیری از انحصار آن در دست

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴. ۲- سوره بقره، آیه ۲۷۴. ۳- سوره بقره، آیه ۳.

* آیه با ترجمه حفظ شود.

ثروتمندان» بیان کرده است.^۱ در صورتی که انفاق مال در جامعه گسترش پیدا کند، ثروت به دست نیازمندان نیز می‌رسد و فاصله طبقاتی میان ثروتمند و فقیر کمتر می‌شود، بخش زیادی از گناهان و جرم‌های ناشی از فقر از جامعه ریشه‌کن می‌شود، مردم نسبت به یکدیگر مهربان‌تر می‌شوند و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در نهایت آرامش و امنیت در جامعه حاکم می‌شود.

فَعَالِيَتِ كَلَّاسِي

در قرآن می‌خوانیم که خداوند، انفاقی را می‌پذیرد که در راه خدا باشد و همراه با منت گذاشتن و اذیت کردن فرد نیازمند، صورت نگیرد.^۲
به نظر شما چرا همراه با یک کار مالی (انفاق)، نیت و هدف درونی (فی سبیل الله) و کیفیت اخلاقی (دوری از منت و اذیت) شرط شده است؟

بیشتر بدانیم

ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) او را به اسلام دعوت کرد و او با دل و جان ایمان آورد. وقتی از مکه به مدینه هجرت کرد در اثر تجارت، ثروت زیادی را به دست آورد. ثروت توانست او را از مسجد (نماز جماعت) و میدان جهاد دور کند. همچنان که نتوانست او را با مردم بویژه فقیران، بیگانه سازد.

در کار بخشش و انفاق تا جایی پیشرفت کرده بود که همه می‌گفتند: تمامی اهل مدینه با عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنه) در مالش شریک‌اند؛ به $\frac{1}{3}$ آنها قرض می‌دهد؛ $\frac{1}{3}$ دیگر را پس می‌دهد و $\frac{1}{3}$ دیگر با هدیه و بخشش‌های او در مالش شریک شده‌اند.^۳

۱- سورة حشر، آیه ۷.

۲- سورة بقره، آیه ۲۶۲.

۳- رجال حول الرسول، نوشته خالد محمد خالد، ص ۴۴۲. مانند چنین فداکاری و بخشش‌هایی از شاگردان مکتب پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) در کتاب‌های تاریخی نقل شده است. در میان آنها افرادی مثل ام المؤمنین خدیجه، ابوبکر صدیق، عثمان بن عفان و حسن بن علی ابن ابی طالب (رضی الله عنهم اجمعین) در این زمینه مشهورتر بوده‌اند.

انواع انفاق

انفاق در تقسیمی به دو نوع فرض (واجب) و سنت تقسیم می‌شود.^۱
مهم‌ترین انواع انفاق واجب: ۱. زکات مال، ۲. زکات فطر.^۲
انفاق‌های سنت مثل صدقات، ابراء قرض و اطعام.

انفاق‌های واجب

۱- زکات مال:

کلمه زکات در اصل به معنای رشد و نمو و پاکی است و چون این عبادت موجب نمو و رشد ایمان می‌شود و پاکی اخلاقی و درونی دهنده و گیرنده آن را به دنبال دارد، قرآن اسم زکات را برایش به کار برده است.^۳

در شریعت اسلامی به بخشش مقدار مشخصی از دارایی مؤمن به چند گروه از انسان‌ها، که دین آنها را معین کرده است، زکات می‌گویند. برای واجب شدن زکات شرایط مشخصی در نظر گرفته شده است.

شرایط واجب شدن زکات

هرگاه دارایی‌های فرد مسلمان به محدوده‌های مشخصی برسد و یک‌سال قمری کامل بر آن دارایی بگذرد، پرداخت زکات، واجب می‌شود.^۴
دارایی‌هایی که زکات دارند: مهم‌ترین چیزهایی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، موارد زیر است:

۱- محصولات زراعی و میوه‌ها: گندم، جو، خرما، انگور (مویز)

۲- دام‌ها: شتر، گاو و گوسفند

۳- نقدینه‌ها: طلا و نقره و یا پول

۴- دارایی‌های تجارتي: چیزهایی که خرید و فروش می‌شوند.^۵

۱- واجب یا فرض به عملی گفته می‌شود که انجام دادن آن ثواب و پاداش دارد و ترک کردنش گناه است. سنت هم به عملی می‌گویند که انجام دادن آن ثواب و پاداش دارد، اما ترک آن گناه نیست.

۲- از دیگر انفاق‌های واجب می‌توان به نذر و کفاره اشاره کرد. در سال‌های بعد با مطالعه بیشتر با این موارد، آشنا خواهید شد.

۳- مفردات راغب اصفهانی. این مطلب در صفحات قبل توضیح داده شده است.

۴- بنابراین، شرایط زکات سه چیز است: ۱. مسلمان بودن، ۲. رسیدن دارایی به حدودی که آن را حد نصاب می‌گویند، ۳. گذشت یک سال قمری بر آن.

۵- اطلاعات بیشتر، بویژه در سال‌های آینده و مطالب دیگری در مورد زکات آموزش داده می‌شود.

زکات فطر

زکات فطر زیرمجموعهٔ زکات است.

غروب آخرین روز رمضان (شب عید)^۱ بر مسلمانان واجب است که زکات فطر خود و سایر اعضای خانواده‌ای را که هزینهٔ زندگی‌شان را می‌دهند، به ازای هر نفر یک صاع^۲ گندم یا جو یا خرما یا مویز^۳ را به مستحقان بدهند. البته اگر به جای اصل این مواد، قیمت پولی آنها را بدهد صحیح است. بهترین وقت برای دادن زکات فطر بعد از فجر (سپیدهٔ صبح) روز عید و پیش از خارج شدن امام به سوی نماز عید است.

فَعَالِيَت كَلَّاسِي

به آمار تولید سالانهٔ چهار محصول مهم کشاورزی در ایران توجه کنید:

۱- سیزده میلیارد کیلوگرم گندم

۲- سه میلیارد کیلوگرم جو

۳- یک میلیارد کیلوگرم خرما

۴- سیصد میلیون کیلوگرم کشمش

به نظر شما اگر فقط زکات این محصولات (که تقریباً هزار میلیارد تومان است)

پرداخت شود، چه تغییرات مثبتی در جامعه ایجاد می‌شود؟

انفاق‌های سنت یا مستحبی

پس از آشنایی با زکات مال و زکات فطر، اکنون با دو مورد از انفاق‌های مستحب (سنت) آشنا

می‌شویم:

۱- صدقه

برای مسلمانان، شایسته است که به جز زکات به عنوان کمک به نیازمندان، قسمتی از دارایی

خود را بپردازند. این بخشش، صدقه نامیده می‌شود.

صدقه از صدق گرفته شده و صدق به معنای راستی است. صدقه دادن پاکی و راستی قلب انسان

۱- در فقه حنفی هنگام طلوع فجر روز عید است.

۲- فقهای شافعی هم عصر ما یک صاع را ۲۱۷۶ گرم، ۲۴۰۰ یا ۲۵۰۰ گرم می‌دانند و فقهای حنفی معاصر، یک صاع را ۳ کیلو و

۷۸۵ گرم یا ۴ کیلو، و برخی چهارکیلو و نیم، محاسبه کرده‌اند.

۳- در مذهب امام شافعی، دادن برنج و یا قیمت آن هم صحیح است.

و بندگی خدا را نشان می‌دهد. صدقه را می‌توان به مؤسسات خیریه داد تا آنها آن را به بهترین صورت به نیازمندان برسانند. رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) به دادن صدقه بسیار تشویق می‌فرمود. روزی در این مورد به یاران فرمود:

«إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ، إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ»^۱

یعنی هنگامی که انسان می‌میرد اعمال او قطع می‌شود به جز سه مورد: صدقه جاریه یا دانشی که از آن نفع می‌برند یا فرزند صالحی که برای انسان دعای خیر کند.

صدقه جاریه، بهترین نوع صدقه است؛ زیرا خیر و برکت آن همواره می‌ماند. ساختن (یا کمک به ساختن) مسجد، مراکز علمی، درمانی و رفاهی از موارد صدقه جاریه است.

۲- بخشیدن طلب یا قرض^۲

گاهی فردی که از دیگری قرض گرفته است نمی‌تواند قرض خود را پس دهد. قرض دادن به دیگران کار بسیار با ارزشی است و در اسلام به آن تشویق شده است، اما کاری که از خود قرض دادن با ارزش‌تر است، این است که در صورت ناتوانی فرد مقروض، قرض‌دهنده طلب خود را ببخشد. این کار را ابراء می‌گویند.

ابراء، سنت است و موجب صمیمیت بیشتر بین مسلمانان می‌شود.

خود را امتحان کن

۱- انفاق را تعریف کنید و سه مورد از فواید آن را نام ببرید.

۲- یک انفاق واجب و یک انفاق سنت را نام ببرید و هریک را به صورت مختصر

توضیح دهید.

۳- مهم‌ترین چیزهایی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، کدام است؟ نام ببرید.

۱- الجامع الصغیر، حدیث شماره ۷۹۵.

۲- دادن قسمتی از پول یا دارایی به دیگری برای استفاده از آن و سپس برگرداندنش، قرض نام دارد. اگر این کار بدون تعیین مهلت انجام شود، آن را قرض می‌گویند و اگر برای برگرداندنش، مهلتی تعیین شود، دین نام دارد.

پیشنهاد

به یکی از مؤسسات خیریه شهر خود بروید و پس از دیدن کارهایشان، آنها را در کلاس برای همکلاسی‌هایتان تعریف کنید.

ای خدای مهربان،
به تو از بی رحمی و غفلت و بینوایی پناه می‌برم،
به تو پناه می‌آورم از کفر و کناهِکاری و ریا!
خدایا، به تو پناه می‌برم از غالب شدن قرض بر من!
خدایا، از تو می‌خواهم که توفیق شکر نعمت را به من ارزانی داری!
خداوند، راه راست را به من نشان بده و مرا از بخیل بودن دور گردان!
خداوند، از تو می‌خواهم که توفیق انجام دادن کارهای خیر را به من بدهی!
خداوند، محبت بینوایان را در دلم ایجاد کن و به من رحم بنا!

